



Factors affecting on the attitude to Judicial and social gender inequalities Comparison of Tehrani students with other

Zahra Ghasemi¹ 

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Tehran Branch, Center;
Email: zahraghasemisst@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 2024 - 02 - 28 Received in revised form: 2024 - 10 - 11 Accepted: 2026 - 02 - 08 Published online: 2026-03-20</p> <p>Keywords: Judicial inequality, social inequality, attitude change, individual identity, gender socialization</p>	<p>During the recent social developments in Iran, the expansion of the use of media, the increase in population and social interactions, the increase in university education, the entry of more women into the social arena, the growth of individualism, the reduction of the size of the family, have led to the reduction of inequality in the family and accompanied With that, attention has been paid to equality. The purpose of this article is to examine the attitude towards inequality and analyze the factors affecting it. Therefore attitude of students under 35 years of age were measured and the independent variables of gender socialization, use of free media, economic status, parents' education, individual development, immigration, ethnicity were considered and with The survey method selected. The results show that the opposition to judicial inequality is between 59 and 98 percent. there is the highest opposition to the marriage age of 9 years and the right to divorce and take a second wife. All cases: marriage age of 9 years for girls, right to custody of children with father, legal freedom for men to take a second wife, forcing a woman to obey a man under any circumstances, difference in dowry, inheritance is the object of equal protest in Students from Tehran and the city. According to the table of structural equations in both Tehran and others, all the variables of personal identity development, sexual socialization in childhood, economic status, parents' education, use of media, determine people's attitude towards gender inequality by 0.25%.</p>

Cite this article: Ghasemi, Z, (2025) , Factors affecting on the attitude to Judicial and social gender inequalities Comparison of Tehrani students with other, *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (2),143-163.
<https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.356090.671110>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.356090.671110>

عوامل موثر بر نگرش به نابرابری‌های جنسیتی قضایی و اجتماعی مقایسه دانشجویان تهرانی با شهرستان‌ها

زهرا قاسمی^۱۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ تهران، ایران. رایانامه: zahraghasemiss@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	طی تحولات اجتماعی اخیر در ایران، گسترش استفاده از رسانه‌ها، افزایش جمعیت و تعاملات اجتماعی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، ورود بیشتر زنان به عرصه اجتماع، رشد فردگرایی، کاهش بعد خانوار، منجر به کاهش نابرابری میان دختر و پسر در خانواده گردیده و همراه با آن توجه به یکسان‌نگری و رفع تبعیض‌های قضایی و اجتماعی بین زن و مرد افزایش یافته‌است. هدف این مقاله، بررسی نگرش به نابرابری و تحلیل عوامل موثر بر آن توسط تئورهای پنجره جمعیتی، تعامل گرایی نمادین، تحول هویت است. لذا ۱۳ نابرابری قضایی عمده و ۵ نابرابری اجتماعی انتخاب و نگرش دانشجویان زیر ۳۵ سال نسبت به آن سنجیده شد و متغیرهای مستقل جامعه‌پذیری جنسیتی، استفاده از رسانه های آزاد، وضعیت اقتصادی، تحصیلات والدین، رشد فردیت، مهاجرت و قومیت در نظر گرفته شد. با روش پیمایش، تعداد ۱۰۶ گویه تدوین و از ۶۵۵ دانشجوی تهرانی و ۵۶۵ دانشجوی شهرستانی در ۷۴ شهرستان پرسش‌گری شد. نتایج نشان می‌دهد که مخالفت‌ها با نابرابری قضایی بین ۵۹ تا ۹۸ درصد است. در تهران و شهرستان‌های همسان هم بیشترین مخالفت با سن ازدواج ۹ سال و حق طلاق و گرفتن همسر دوم است. همه موارد: سن ازدواج ۹ سال برای دختران، حق حضانت فرزندان با پدر، آزادی قانونی گرفتن زن دوم توسط مردان، اجبار زن به تمکین از مرد تحت هر شرایطی، تفاوت دیه بین زن و مرد، تفاوت ارث میان دختر و پسر مورد اعتراض یکسان دانشجویان تهرانی و شهرستانی است. طبق جدول معادلات ساختاری در هر دو جامعه تهرانی و شهرستانی کل متغیرهای رشد هویت فردی، جامعه پذیری جنسی در کودکی، وضعیت اقتصادی، تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها، به میزان ۰,۲۵ درصد نگرش افراد به نابرابری جنسیتی را تعیین می‌کنند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۹	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹	
کلیدواژه‌ها:	
نابرابری قضایی، نابرابری اجتماعی، تغییر نگرش، هویت فردی، جامعه‌پذیری جنسیتی.	

استناد: قاسمی، زهرا. (۱۴۰۴). عوامل موثر بر نگرش به نابرابری‌های جنسیتی قضایی و اجتماعی؛ مقایسه دانشجویان تهرانی با شهرستان‌ها، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۲)، ۱۴۳-۱۶۳. <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.356090.671110>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.356090.671110>

بیان مسئله

تغییر کارکرد زن و مرد در خانواده شهری در ایران همگام با تغییر بستر اجتماعی و ورود زنان به بازار کار و افزایش تحصیلات و تخصص گرایی در جامعه، و نیز با دگرگونی خانواده از مدل گسترده به سوی مدل هسته‌ای همزمان با رشد تکنولوژی و گسترش ارتباطات و رسانه‌ها و افزایش سفرهای درون‌مرزی و برون‌مرزی، رخ داده‌است. در نتیجه شیوه تعامل زن و مرد دگرگون و میزان نابرابری جنسیتی در بستر عینی جامعه تغییر یافته‌است (قاسمی، ۱۴۰۰). نابرابری‌ها امروزه پایگاه خود را در ذهن و فکر زنان از دست داده و مشروعیت آن حتی در دورافتاده‌ترین نقاط، در حال فرو ریختن است (کاستلز^۱، ۱۳۸۰: ۱۷۷-۱۷۶). این در حالی است که در قوانین رسمی قضایی کشور در عرصه‌های حق انتخاب همسر، ازدواج، طلاق، ارث، دیه، حق اشتغال، حق خروج از کشور، زنان متفاوت با مردان هستند.

در نظریات نابرابری جنسیتی به نقش خانواده در بازتولید نابرابری جنسیتی تأکید شده‌است. این بازتولید از طریق فرآیند جامعه‌پذیری در خانه و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در محیط‌های آموزشی، شغلی، مذهبی، سیاسی و رسانه‌ای صورت می‌گیرد. (مونی^۲ و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۳۶-۲۳۲؛ بریکول^۳، ۱۹۹۰: ۲۱۹ و استنلی و وایز^۴، ۲۰۰۲: ۲۷۸-۲۷۳).

امروزه ساختار خانواده با ورود به پنجره جمعیتی دگرگون شده است. تغییرات بنیادی در ویژگی‌های جمعیتی مانند افزایش سن ازدواج، کاهش باروری، کاهش اعضای خانوار، افزایش اشتغال زنان، دگرگونی‌های عمیقی را بر ساخت جامعه و نگرش اعضا وارد می‌کند (تافلر^۵، ۱۳۷۲: ۲۸۹). با دگرگونی و تغییر نگرش افراد در مورد نابرابری جنسیتی، جامعه ایران با رویکرد جدیدی روبرو شده‌است (قاسمی، ۱۴۰۱). لذا در این بستر، عوامل مهمی که متأثر از دگرگونی‌های سطح کلان جامعه هستند و بر نگرش افراد تأثیر می‌گذارند، قابل توجه هستند: ۱- گسترش ارتباطات رسانه‌ای و دسترسی همگانی حتی در اقصی نقاط روستایی و مرزی دور افتاده کشور به شبکه‌های اجتماعی و رواج استفاده از آنها (گزارش ایسپا^۶) سبب دگرگونی در فرهنگ ارتباطی میان زن و مرد گردیده‌است. ۲- با تغییر ساختار سنی کشور و باز شدن پنجره جمعیتی از سال ۱۳۸۵ جامعه با پتانسیل تحول و نوگرایی فکری و ذهنی روبرو است. ۳- با افزایش دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، ایران تقریباً ۲۰ میلیون جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی^۷ دارد و جمعیت دانشجویی از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض افکار نوگرایانه از جمله برابری جنسیتی در عرصه اجتماعی و قضایی قرار دارد (سراج زاده، ۱۳۸۵).

لذا به نظر می‌رسد ضرورت باز نگری در قوانین رسمی قضایی کشور در عرصه‌های مختلف نابرابری شامل: حق انتخاب همسر، حضانت فرزندان، همسر دوم، حق طلاق، ارث برابر، دیه برابر، حق اشتغال، حق خروج از کشور، مطرح است. و نیز تحول در قوانین اجتماعی مانند نابرابری در انتخاب رشته دانشگاهی، نوع شغل، حضور در اجتماعات، پست ریاست جمهوری مورد توجه مردم است.

1 Castelles

2 MoonEy

3 Breakwell

4 Stanly, W ise

5 Tafler

۶. به گزارش ایسپا ۷۸٫۵ درصد ایرانیان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و ۹۶٫۹ درصد گروه سنی ۱۸- ۲۹ سال از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند. <http://www.ispa.ir>

موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی <https://irphe.ac.ir/content/1534> -۳

مطالعه حاضر بر پایه فردگرایی روش‌شناختی قوام یافته است. زیرا از شواهد مربوط به سطح خرد می‌توان برای تحلیل رخدادهای گسترده در سطح کلان جامعه منتفع شد. شاید به این دلیل که «مطالعه دگرگونی اجتماعی، در سطح جامعه‌شناختی کلان معقول نیست مگر آن که تحلیل به سطح ساده‌ترین کارگزاران یا بازی‌گران اجتماعی که نظام وابستگی متقابل را تشکیل می‌دهند، تنزل پیدا کند (بودون، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

سوال اصلی این پژوهش تحلیل عوامل سطح خرد مؤثر بر تغییر نگرش دانشجویان زیر ۳۵ سال نسبت به نابرابری‌های اجتماعی و قضایی زنان است. بدین منظور مقایسه میان دانشجویان تهرانی با سایر شهرستان‌های کشور انجام می‌گیرد. اهمیت بررسی این موضوع با توجه به اتفاقات اخیر در کشور و فاصله گرفتن نگرش جامعه از قوانین رایج و سخت‌گیرانه و نابرابر برای زنان است. در این شرایط، سختی و خشکی قوانین قضایی و اجتماعی در مورد دسترسی زنان به برخورداری از شرایط یکسان قضایی و اجتماعی زمینه‌ای برای اعتراضات اجتماعی و بروز جنبش‌های برابری‌طلبی برای زنان است.

پیشینه تحقیق

نیازی و همکاران در سال ۱۴۰۲ در طراحی الگو و ابعاد نابرابری جنسیتی با رویکرد فراترکیب، به شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و عوامل ایجاد کننده نابرابری جنسیتی با استفاده از رویکرد فراترکیب می‌پردازند در این تحقیق نتایج پژوهش‌های پیشین از سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۰ جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. و نتیجه پژوهش بیانگر ۵ بعد اصلی نابرابری شامل عوامل خانوادگی، اجتماعی، رسانه‌ای، سیاسی و فرهنگی است که مضمون نابرابری جنسیتی را تبیین می‌کنند.

بختیاری و همکاران در ۱۴۰۲ در بررسی رابطه نابرابری جنسیتی و توسعه فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان زن دانشگاه آزاد اسلامی تهران) با روش پژوهش توصیفی-همبستگی با ۳۸۲ دانشجوی زن نشان دادند، نابرابری جنسیتی در حالت کلی و ابعاد آن همچون (نابرابری فرهنگی، نابرابری اجتماعی، نابرابری اقتصادی، نابرابری نمادی) با توسعه فرهنگی رابطه معکوس دارند. بدین معنا که با کاهش نابرابری جنسیتی و ابعاد آن، سطح توسعه فرهنگی کاهش می‌یابد. چرا که مادامی که زنان یک جامعه در وضعیت نابرابر نسبت به مردان قرار داشته باشند نمی‌توان انتظار داشت که نهاد خانواده از جایگاه و استواری کافی برخوردار باشد. از سویی زنان نقش کلیدی در جامعه‌پذیری جنسیتی کودکان دارند.

مفتخری و همکاران در سال ۱۴۰۰ در بررسی اثرات نابرابری جنسیتی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه، به تحلیل تاثیر نابرابری جنسیتی بر فرار مغزها در ۴۰ کشور در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۰۲ پرداختند، بدین منظور از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده شده است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد شاخص نابرابری جنسیتی تأثیری غیرخطی بر فرار مغزها داشته است. شاخص نابرابری جنسیتی در سطوح پایین آن تأثیری منفی بر فرار مغزها برجای گذاشته است اما افزایش سطح شاخص نابرابری جنسیتی و عبور آن از سطح آستانه ۶۱۸/۰، موجب تشدید فرار مغزها شده است. بنابراین تشدید نابرابری جنسیتی عاملی در جهت افزایش مهاجرت نخبگان از کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود که لازم است سیاست‌گذاران در راستای کاهش نابرابری‌های جنسیتی اقدامات لازم را اتخاذ نمایند.

کرامپچ^۱ و اسمیت در ۲۰۲۱ در بررسی ۹۱ کشور کم درآمد با روش کمی و بررسی آماری مقایسه‌ای در مولفه‌های اقتصادی و نسبت جمعیت در سنین مختلف کشورها نشان می‌دهند: مناطق شهرستانی و روستایی رشد اقتصادی قوی‌تر از مناطق شهری را تجربه

می‌کنند. مناطق روستایی بیشتر از پنجره جمعیتی می‌توانند استفاده کنند. مناطق روستایی که بر روی امکانات آموزشی معقول سرمایه‌گذاری کرده‌اند، بیشترین میزان برداشت از سود جمعیتی را دارند. آنها با سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش توانسته‌اند در رشد اقتصادی موفق شوند.

شکر بیگی در سال ۱۳۹۶ باروش پیمایش در مقاله "بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن در بین زنان شهروکان و میان‌آب" تاثیر جامعه‌پذیری نقش جنسیتی و باورهای قالبی و ایدئولوژی مردسالارانه را بر نابرابری جنسیتی بررسی کرد و از تئوری‌های تلفیقی بین رشته‌ای "روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و بویژه تئوریهای جامعه‌شناسی" استفاده کرده است. نتایج بدست آمده نشان داد که بین نابرابری جنسیتی و جامعه‌پذیری نقش جنسیتی، ایدئولوژی مردسالاری و باورهای قالبی رابطه وجود دارد. ناصری و همکاران در سال ۱۳۹۴ رابطه بین متغیرهای جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، نگرش والدین، پایگاه اقتصادی اجتماعی و منزلت شغلی فرد با نگرش‌های جنسیتی، را نشان دادند.

اسموردا^۱ (۱۹۹۵) با توجه به دیدگاه‌های روانشناسی اجتماعی، بر این باور است که عقاید ساخت یافته در مورد صفات زنان و مردان، ویژگی‌های شخصیتی افراد را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و این صفات بر توزیع جنسیتی موقعیت‌های اجتماعی و نقش‌ها اثر می‌گذارد.

مبانی نظری و چارچوب تحلیل

عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی و نیز میزان آن در جوامع مختلف، گوناگون می‌باشند. در سطح کلان عوامل بسیار مهم زیر سبب دگرگونی بستر اجتماعی و منجمله تحول نگرش جامعه و به خصوص دانشجویان بر نابرابری جنسیتی شده‌اند (قاسمی، ۱۴۰۱: ۵). ۱- گسترش ارتباطات رسانه‌ای و دسترسی همگانی حتی در اقصی نقاط روستایی و مرزی جامعه به همراه گسترش شبکه‌های فارسی زبان در بیش از ۵۰ عدد (گزارش ایسپا^۲) سبب دگرگونی در فرهنگ ارتباطی میان زن و مرد گردیده‌است. ماهواره‌ها امروزه در همه نقاط کشور و حتی در دور افتاده‌ترین مناطق استفاده می‌شوند. نظریه یادگیری اجتماعی به اثر جامعه‌پذیری رسانه‌ها و نیز اقتباس الگوهای متعدد کنش توسط مخاطبان می‌پردازد. باندورا می‌نویسد، رسانه‌ها اگرچه منبع یادگیری اجتماعی نیستند و نفوذ و تأثیرشان به دیگر منابع یادگیری یعنی والدین، دوستان و معلمان وابسته است، ولی روی مردم تاثیر مستقیم دارند (بندورا، ۲۰۰۲: ۷۵).

۲- با تغییر ساختار سنی کشور و باز شدن پنجره جمعیتی در سال ۱۳۸۵، جمعیت ۱۵ تا ۶۵ ساله طبق آمار سرشماری سال ۱۳۹۵ معادل ۶۹ درصد جمعیت کشور شده‌است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و از سویی ۳۲ درصد جمعیت کشور معادل با یک سوم جامعه در سن ۱۵ تا ۳۵ ساله هستند، که خود مبین وجود پتانسیل تحول و نوگرایی فکری و ذهنی در این بخش اعظم جامعه است. در واقع از هر سه نفر یک نفر در این سن نوگرایی اندیشه و آشنایی با تفکرات و سلیق مدرن قرار دارد. هر چه رشد جمعیت بیشتر می‌شود، امکان ظهور انسان‌های نخبه و اندیشمند بیشتر می‌شود. کوزنتس^۳ و سیمون^۴ ادعا می‌کنند که جمعیت بیشتر احتمال پیدایش افراد با

1 Smorda

۱. به گزارش ایسپا ۷۸,۵ درصد ایرانیان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و ۹۶,۹ درصد گروه سنی ۱۸ - ۲۹ سال از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند.

<http://www.ispa.ir>

۲. مرکز آمار ایران سرشماری ۱۳۹۵.

3 . Kuznets

4 . Simon

ایده‌های جدید را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تا تماس‌های فکری فشرده‌تر و تخصصی‌تر شوند (کریمر^۱، ۱۹۹۳). با رشد جمعیت سرمایه‌های انسانی جامعه افزایش یافته و سطح نگرش‌های فکری تغییر می‌یابد.

۳- با توجه به افزایش تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در کشور، طبق آمار تعداد فارغ‌التحصیلان سال‌های ۱۳۸۲ تاکنون ده و نیم میلیون نفر است و با تقریب می‌توان از ۱۶ میلیون جمعیت فارغ‌التحصیل از بدو انقلاب به همراه سه و نیم میلیون دانشجوی کنونی جمعاً ۲۰ میلیون جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی^۲ یاد کرد که بر این اساس از هر چهار نفر در جامعه یک نفر تحصیلات دانشگاهی دارد و این جمعیت نقش مهمی در تحول نگرش به نابرابری زنان در جامعه را دارند. جمعیت دانشجو بیش از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض افکار نوگرایانه از جمله برابری جنسیتی قرار دارد (سراج زاده، ۱۳۸۵). تعامل‌گرایان نمادین، نظام آموزشی و تحصیلات را موتور تغییر می‌دانند. آنها بیشتر به تأثیر آموزش بر تغییر معانی، فهم از پدیده‌ها، هویت و شخصیت تمرکز دارند (اسچافر^۳، ۲۰۰۳: ۲۰۰). به تعبیر بوردیو، هر چقدر ما آموزش رسمی‌تری داشته باشیم، دایره کلمات دشواری که در ذهن ما جای دارد، بیشتر خواهد شد. پیچیدگی زبان ما باعث پیچیدگی تفکر ما می‌شود و این پیچیدگی تفکر، نگرش ما را نسبت به جهان متحول می‌سازد (گرنفل^۴، ۱۳۸۹: ۳۴۱). همراه با تجربه مدرنیته و بروز نگرش فرامادی به ازدواج، افزایش سن ازدواج در دختران دیده می‌شود (حبیب‌پور، ۱۳۹۰: ۷). از سویی ترک تحصیل بیشتر در دختران ازدواج کرده در روستاها دیده می‌شود (بیرانوند، ۱۴۰۱: ۵۱-۷۶).

در این تحقیق با توجه متغیرهای سطح کلان فوق بر تأثیر آنها در سطح خرد متمرکز شده و به متغیرهای جامعه‌پذیری جنسیتی، تأثیر رسانه‌های نوین، گسترش فردگرایی، مهاجرت، تحصیلات، جایگاه اقتصادی افراد توجه شده‌است. رونالد اینگلهارت^۵ با گردآوری داده‌های هشتاد کشور جهان، نقش تحصیلات را به عنوان نیروی شکل‌دهنده تغییرات ارزشی در فرایند توسعه و نوسازی جوامع مطالعه کرد. وی در توصیف اثر تحولات کلی جامعه بر دگرگونی ارزشی-نگرشی اظهار می‌دارد که مجموعه گسترده‌ای از داده‌های فراملی ثابت می‌کند که نوسازی اجتماعی-اقتصادی و تغییر فرهنگی در جهت افزایش تأکید بر ارزش‌های ابراز وجود و دموکراتیک شدن، همه اجزای یک فرایند زیربنایی واحد به نام «توسعه انسانی» هستند. موضوع اصلی این فرایند گسترش انتخاب انسانی است (نوریس^۶ و اینگلهارت، ۱۳۹۵: ۳۳۶-۳۳۷). در واقع تحصیلات فقط آموختن مجموعه‌ای از اطلاعات و مهارت‌ها نیست، بلکه میان کنشگران انسانی و جهت‌یابی آنها نسبت به نهادهای جامعه حائل می‌شود. به تعبیر بوردیو، هر چقدر ما آموزش رسمی‌تری داشته باشیم، دایره کلمات دشواری که در ذهن ما جای دارد، بیشتر خواهد شد. پیچیدگی زبان ما باعث پیچیدگی تفکر ما می‌شود و این پیچیدگی تفکر، نگرش ما را نسبت به جهان متحول می‌سازد (گرنفل، ۱۳۸۹: ۳۴۱). کارکردگرایان ساختی معتقدند نظام آموزشی راه تحرک اجتماعی را هموار می‌کند. آگاهی و دانش، منشاء دگرگونی فکری است. تجربه زیسته اکثر ما این واقعیت را تأیید می‌کند که آموزش و تحصیلات در متحول ساختن نظام فکری، ترجیحات و منش فرد نقش مهمی دارد.

1. Kremer

3 Schaefer

4 Grenfel

5 Inghart

6 Neveris

هونت^۱ به نقد مفهوم قدرت متکثر، مولد و خرد فوکو در تکوین هویت پرداخته و معنای جدید از روابط قدرت در به رسمیت‌شناسی گروه‌های حاشیه‌ای می‌دهد. هونت اعتقاد به تولید اندیشه توسط کنشگر فعال و مداخله‌گر دارد، تمرکز هونت در طرح نبرد اجتماعی حول محور انکار نهادی در به رسمیت‌شناختن هویت یا تحقیر اجتماعی برخی گروه‌های اجتماعی است (هونت، ۲۰۰۱) قربانیان بی‌عدالتی برای به رسمیت‌شناخته شدن با تولید اندیشه‌های متعارض با هنجارهای سیاسی درگیر می‌شوند (مارفی، ۲۰۱۱: ۷۶).

از عوامل مؤثر دیگر در قشربندی جنسیتی و مناسبات زنان و مردان میزان کنترل منابع مادی جامعه توسط یکی از دو جنس است. یکی از شاخصه‌های مهم و تعیین‌کننده میزان کنترل منابع مادی، سطح مازاد اقتصادی است. کالینز با تحلیل دوره‌های تاریخی متفاوت بر اساس سطح مازاد اقتصادی جوامع و میزان کنترل و دسترسی این مازاد توسط یکی از دو جنس سعی در تبیین مناسبات زنان و مردان در دوره‌های مختلف دارد. کالینز معتقد است، هنگامی که به دلیل سطح تکنولوژی پائین یک جامعه، مازاد اقتصادی نیز پائین است و به همان نسبت ثروت مادی نیز در جامعه کم است که چنین مواقعی این ثروت مادی بطور نامساوی بین افراد توزیع می‌شود (به نقل از شکرپیگی، ۱۳۹۶).

جامعه‌پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد دارد، (الکین^۲ و هندل، ۱۹۷۲: ۴). از دیدگاه بندورا افراد چه بخواهند و چه نخواهند تحت‌تأثیر الگوهای مختلف قرار خواهند گرفت (سبحانی‌جو، ۱۳۸۴: ۹). خانواده به مثابه میانجی در اجتماعی شدن طفل و هم‌نوایی عمیق او با هنجارهای اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد. جامعه‌پذیری به صورت ناآگاهانه (غیرمستقیم)، با سرمشق قرار دادن و اقتباس رفتار، کردار و گفتار والدین و دیگر اعضای خانواده (مانند خواهر یا برادر) صورت می‌گیرد و بدون آنکه خود والدین متوجه باشند (یزدان‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۳۲)، فرزندان رفتار، گفتار و نگرش‌های اجتماعی آنها را به مثابه شیوه‌های رفتار و نگرش مطلوب و مناسب یاد می‌گیرند و به تدریج درونی می‌کنند (شاکری‌نیا، ۱۳۷۶: ۵۹).

گیدنز مدرنیته را شکل‌گیری هویت شخصی و محقق ساختن خویشتن و فردیت خوداندیش می‌داند که آن را از نظام خویشاوندی پیشامدرن و سنتی جدا می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸) ریتا لیلیستروم^۳ معتقد است با حضور هر چه گسترده‌تر اعضای خانواده در جامعه و حضور آنان در جامعه به مثابه یک فرد و عضوی از جامعه مستقل از خانواده خود، در جامعه فردیت رشد یافت و بعد از آنه رابطه فرد با پیرامون نه بر محور مناسبات خانوادگی که به صورت رابطه‌ای میان آحاد مستقل جامعه شکل‌گرفت (به نقل از شکرپیگی، ۱۳۸۸). گیدنز فردی شدن را ناشی از کاهش تأثیر سنت در زندگی در مواجهه با آینده می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۷). برگر فردگرایی را به معنای امکان انتخاب فردی از میان واقعیت‌ها و هویت‌های مختلف می‌داند، فردگرایی اجازه می‌دهد فرد به طور آگاهانه از میان هویت‌های در دسترس و موجود، هویتی را انتخاب کند که حق آزادانه برنامه‌ریزی شخصی و شکل بخشیدن آن را دارد (برگر^۴، ۱۳۷۳، ۱۳۷۵). تریاندیس فردگرایی را تعریف غیروابسته از خود می‌داند که به صورت یک هستی جداگانه ظاهر می‌شود او در روابط بر عقلانیت تأکید کرده و می‌گوید در فردیت افراد اختلافات شناختی زیادی را تجربه می‌کنند (تریاندیس^۵، ۱۹۸۸).

1 Honet

2 Elkin

3 Liljestrom 2. پروفیسور جامعه‌شناس و فمینیست سوئدی

4 Berger

5 Triandis

فناوری‌های جدید رسانه‌ای و ارتباطی، محیط‌های اجتماعی نوین انسانی را به وجود آورده‌اند. این وضعیت، که نمود اشکال نوین اجتماع مجازی شده و بی‌مکان و به تعبیر گیدنز، فشرده شده است، پیامد نوعی تحول ساختاری ژرف و گسترده در ابعاد گوناگون در نظام رشد اجتماعی است. در اغلب مخاطبین طی همزادپنداری با شخصیت‌های سریال‌ها، تاثیرات عمیقی در نحوه نگرش به مفهوم سبک زندگی، تجمل‌طلبی، نحوه پوشش، چگونگی انتخاب همسر و همچنین اعتقادات مذهبی و دینی دیده می‌شود (وایزمن^۱، ۱۳۷۱: ۹۸). نظریه کاشت بر آثار تدریجی و دراز مدت رسانه‌ها به ویژه ماهواره و تلویزیون بر شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مفهوم‌سازی آنان از واقعیت اجتماعی تاکید می‌کند. تلویزیون به عنوان فراگیرترین و متداول‌ترین قصه‌گو، در زمینه کاشت ایدئولوژی، ارزش‌ها و باورهای مشترک نقش مهمی دارد (مورگان^۲ و همکاران، ۱۹۹۷: ۳۱۰). باندورا می‌نویسد، رسانه‌ها اگرچه منبع یادگیری اجتماعی نیستند اما نفوذ و تاثیرشان به دیگر منابع یادگیری یعنی والدین، دوستان و معلمان وابسته است (بندورا^۳، ۲۰۰۲: ۷۵).

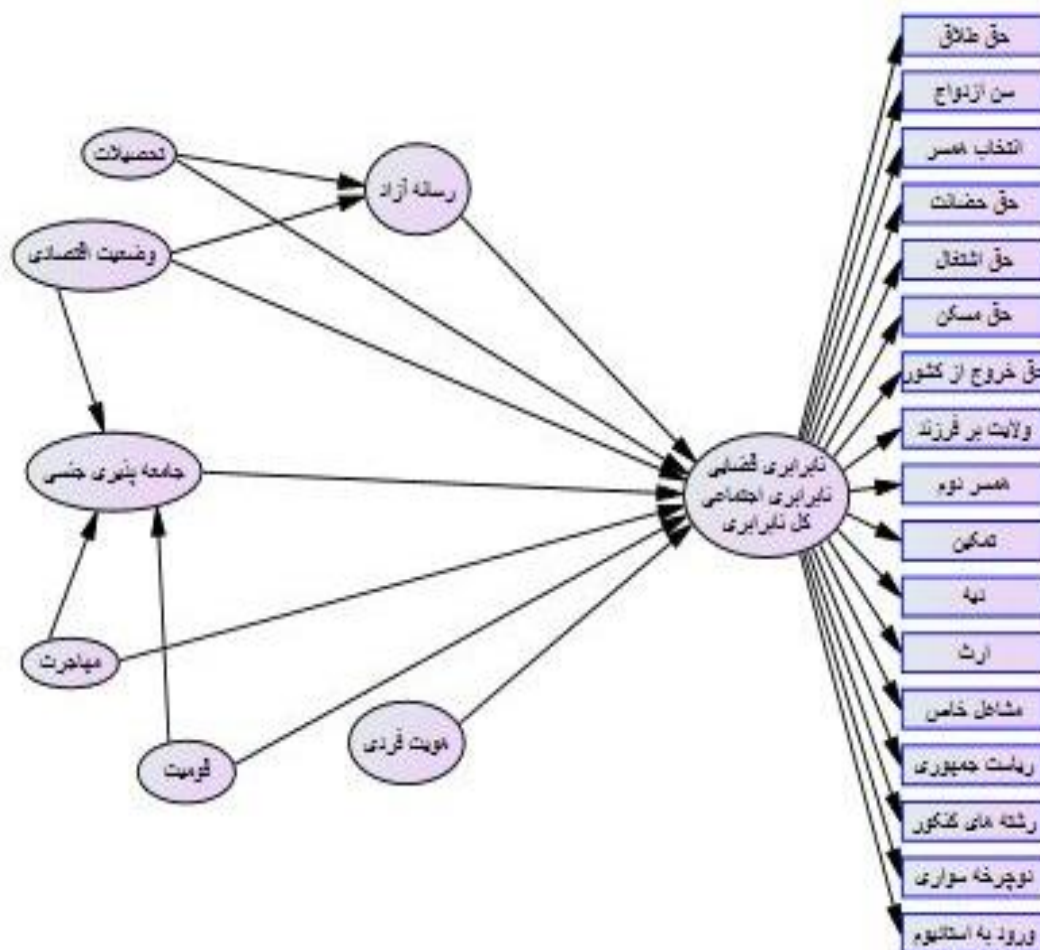
از نظر رویکردهای فمینیستی، نابرابری‌های جنسی ضروری و مفید نیستند، بلکه ظالمانه و ناشی از برتری‌جویی مردان هستند و می‌توانند و باید تغییر کنند (استنلی و وایز، ۲۰۰۲: ۲۷۷-۲۷۵). از دیدگاه کارکردگرایان و تضادگرایان، سلطه مردانه در نظام مردسالار تفاوت نقش‌های جنسیتی را ایجاد کرده‌است و فرآیندهای جامعه‌پذیری، باورها و نگرش‌های مربوط به تفاوت جنسیتی را ایجاد و تثبیت می‌کنند. به علاوه، تحولات صنعتی دنیای جدید ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را تغییر داده‌اند. این تغییرات، تحول نقش‌های جنسیتی در خانه و جامعه را ایجاد و در مواردی آن را به یک ضرورت کارکردی تبدیل کرده‌اند (سراج‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱).

1 Viezman

2 Morgan

3 Bandura

مدل تحقیق



فرضیات تحقیق

- ۱- احتمالاً میان و نگرش به نابرابری جنسیتی قضایی (حق طلاق، سن ازدواج دختران، انتخاب همسر، حق حضانت فرزندان، حق اشتغال، حق مسکن، حق خروج از کشور، ولایت بر فرزند، همسر دوم، تمکین، دیه، ارث،) بین دانشجویان تهرانی و شهرستانی و زن و مرد تفاوت وجود دارد.
- ۲- احتمالاً میان و نگرش به نابرابری های جنسیتی اجتماعی (محدودیت مشاغل زنان، عدو امکان ریس جمهور شدن، محدودیت رشته های کنکور، ممنوعیت دوچرخه سواری زنان، محدودیت رفتن به استادیوم) بین دانشجویان تهرانی و شهرستانی و زن و مرد تفاوت وجود دارد.

۳- احتمالاً میان رشد فردیت، جامعه‌پذیری جنسیتی، تحصیلات خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده، دسترسی به رسانه‌های آزاد، مهاجرت، قومیت و نگرش به نابرابری جنسیتی بین دانشجویان شهرستانی و تهرانی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

اطلاعات اولیه این تحقیق با استفاده از روش اسنادی در بخش نظری و روش پیمایش در بخش میدانی انجام شده است. سپس داده‌های موجود برای تحلیل فرضیات مقایسه‌ای با آزمونهای مقایسه‌ای (تحلیل واریانس) و برای فرضیه سوم بررسی علی با آزمون‌های (رگرسیون، ضریب پیرسون، و معادلات ساختاری) تحلیل شده است. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که با استفاده از فرمول کوکران و در نظر گرفتن تعداد دانشجویان در سال ۱۴۰۰ معادل ۳۱۷۳۷۹۷۹ نفر در کل کشور و معادل با ۴۵۳ هزار و ۴۲۴ نفر در شهر تهران با فرمول زیر انتخاب حجم نمونه انجام شد.

$$n = \frac{N t^2 S^2}{N d^2 + t^2 S^2}$$

حداقل حجم نمونه برای تهران ۳۸۴ نفر و برای شهرستان‌ها نیز ۳۸۴ به دست آمد و با توجه به حداقل برای تهران تعداد ۶۵۵ نفر از دانشجویان تمامی دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دانشگاه‌های غیرانتفاعی و پیام نور در شهر تهران انتخاب شد. برای شهرستانها نیز از تعداد ۵۶۵ دانشجوی زن و مرد در همه مقاطع تحصیلی فوق دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس و دکتری از دانشگاه‌های مختلف موجود در شهرستان که زیر ۳۵ سال دارند، پرسشگری انجام شد. جمعاً ۱۰۶۹ نفر برای نمونه‌گیری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری ابتدا در مرحله اول به شکل تصادفی از استان‌ها ۲۳ استان انتخاب شد و سپس از هر استان تعدادی شهرستان انتخاب گردید و سپس به تصادف تعدادی دانشگاه انتخاب گردید و سپس به نحوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای غیراحتمالی با دانشجویان مصاحبه انجام شد. در ۷۴ شهرستان منتخب زیر نمونه‌گیری انجام شد: اصفهان، نجف‌آباد، خوراسکان، فلاورجان، شهرضا، آزادشهر، مینودشت، گرگان، گنبد، علی‌آباد، خان‌ببین، بومهن، ورامین، کرج، قم، اراک، ساوه، کاشان، مشهد، کاشمر، نیشابور، سبزوار، تربت حیدریه، اردبیل، مشکین شهر، پارس‌آباد، گرمی، خلخال، خمین، یاسوج، بهبهان، گچساران، سیسخت، لوداب، بندرعباس، همدان، سراب، نهاوند، آستانه، شازند، ساری، قایم‌شهر، بابل، تنکابن، چالوس، نکا، جویبار، سمنان، شاهرود، شیراز، مرودشت، فیروزآباد، خرم‌آباد، نورآباد، اهواز، ایرانشهر، خاش، بامپور، ماهشهر، بندر امام، امیدیه، اورمیه، تبریز، زنجان، اهر، سنندج، مریوان، کنگاور، کرمانشاه، سرپل‌ذهاب، هرسین، یزد، خاتم.

تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار آماری (SPSS) انجام گرفته است.

متغیرهای پژوهش

جهت سنجش نابرابری دو حوزه اجتماعی و قضایی متناسب با سه بعد نگرش؛ شناختی، رفتاری، عاطفی پرسشنامه با سوالات در طیف لیکرت تدوین گردید. ۱۳ حوزه نابرابری‌های حقوقی قضایی و ۵ حوزه نابرابری اجتماعی بررسی شد.

جدول ۱-۱ تعریف عملیاتی و ابعاد و سطح سنجش متغیرهای تحقیق

متغیر	ابعاد	تعریف	سطح سنجش
نابرابری قضایی حقوقی	حق طلاق	طلاق بی دلیل مرد- عدم حق طلاق زن	رتبه‌ای
	سن ازدواج	سن ازدواج دختر نابالغ با پدر- سن بلوغ	رتبه‌ای
	انتخاب همسر	کسب اجازه پدر ضروری برای ازدواج دختر	رتبه‌ای
	حضانت	حق حضانت با پدر و جد پدری	رتبه‌ای
	حق اشتغال	اجازه اشتغال با مرد - نوع شغل با مرد	رتبه‌ای
	حق مسکن	تعیین مسکن با مرد- زن باید تمکین مکان زندگی	رتبه‌ای
	خروج از کشور	اجازه خروج از کشور با مرد	رتبه‌ای
	ولایت بر فرزند	حق خروج کشور- حق مدیریت مالی-تعیین محل تحصیل- حضانت فرزند- اجازه ازدواج دختر	رتبه‌ای
	همسر دوم	هیچ منع قانونی گرفتن همسر دوم - زن اول اجازه طلاق گرفتن دارد	رتبه‌ای
	تمکین	ازدواج به منزله حق دایمی و هر لحظه هم خوابگی	رتبه‌ای
	دیه	زن نصف مرد دیه دارد	رتبه‌ای
	ارث	زن نصف مرد ارث می برد	رتبه‌ای
نابرابری اجتماعی	محدودیت در مشاغل خاص	عدم امکان ورود به مشاغل خاص-پالایشگاه نفت- آتش نشان- عملیات ساختمان سازی- گمرکات	رتبه‌ای
	کسب وزارت و پست رئیس جمهوری	امکان وزیر شدن - ریاست جمهوری - شورای نگهبان- مجمع تشخیص مصلحت نظام	رتبه‌ای
	آزادی رشته کنکور	محدودیت رشته‌های خاص برای زنان	رتبه‌ای
	دوچرخه سواری	عدم امکان دوچرخه سواری ازادانه در شهر	رتبه‌ای
	استادیوم رفتن	عدم امکان ورود به استادیوم فوتبال	رتبه‌ای

برای سنجش روایی تحقیق از روش روایی محتوایی و برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد. در بررسی روایی از تعداد ۵ نفر متخصص جامعه شناس استفاده شد که با CVR معادل ۹۹ درصد تایید شد و برای پایایی آزمون آلفای کرونباخ انجام شد. مقدار آلفای کرونباخ برای پرسش ها بین ۰,۹ تا ۰,۷ به دست آمد که بیانگر سازگاری داخلی گویه هادر محدوده قابل قبول تا عالی می باشند.

یافته‌های تحقیق

ابتدا یافته های توصیفی و سپس یافته های تحلیلی بیان می گردد. دانشجویان تهرانی در حجم نمونه ۳۸ درصد مرد و ۶۲ درصد زن می باشند. در شهرستان ها ۷۰ درصد زن و ۳۰ درصد مرد هستند. از نظر سنی ۵۸ درصد ۱۸ تا ۲۵ ساله و ۲۰ درصد ۲۶ تا ۳۰ ساله و ۲۲ درصد ۳۰ تا ۳۵ ساله هستند. ۶۸ درصد پاسخگویان دانشجوی لیسانس ۲۵ درصد فوق لیسانس و ۶ درصد دکتری هستند. بیشترین فراوانی تعداد اعضای خانواده ۳۹ درصد خانوار ۴ نفره و ۲۳ درصد خانوار ۵ نفره دارند. ۷۰ درصد دانشجویان مجرد و ۲۷ درصد متأهل هستند. در پدران بیشترین فراوانی تحصیلات ۴۴ درصد دیپلم و ۱۹ درصد لیسانس هستند. تحصیلات مادران ۴۹ درصد دیپلم و ۱۷ درصد لیسانس می باشند. بیشترین فراوانی شغل پدران در گروه افراد کم مهارت: وردست چرخ کار، کارگر تولیدی، دامدار، کشاورز

و غیره می‌باشند. بیشترین فراوانی مادران ۶۲ درصد در شغل خانه‌داری هستند. تعداد ۷۴ درصد دانشجویان ازدواج نکرده‌اند. به لحاظ مقدار درآمد ماهانه بیشترین فراوانی ۴۶ درصد در افرادی با درآمد ۶ تا ۱۰ میلیون تومان و نیز ۲۱ درصد دانشجویان درآمد ۱۱ تا ۱۵ میلیون تومان دارند. از نظر قومیت بیشترین فراوانی ۵۵ درصد فارس و ۲۶ درصد ترک می‌باشند. در زمینه مهاجرت بیشترین فراوانی ۴۸ درصد با خانواده‌هایی است که بیش از ۴۰ سال است که ساکن تهران هستند. البته خانوارهای ۲۱ تا ۳۰ سال اقامت نیز فراوانی ۱۶ درصد را دارند. در زمینه مبدا مهاجرت برای دانشجویان تهرانی بیشترین فراوانی ۳۴ درصد با خانواده‌هایی است که از مراکز استان‌ها به تهران آمده‌اند و نیز ۳۰ درصد خانوارها از نسل قبل در تهران بوده‌اند. از نظر نوع مالکیت بیشترین فراوانی با ۶۸ درصد افراد است که در منازل ملک شخصی زندگی و ۹۰ درصد دانشجویان در مسکن از نوع آپارتمان زندگی می‌کنند و بیشترین فراوانی در ۴۷ درصد دانشجویان که مسکن با متراژ ۷۰ تا ۱۰۰ متری دارند. ۴۱ درصد آنان در منطقه متوسط اقتصادی و ۳۸ درصد در منطقه کمی ضعیف ساکن هستند. ۵۹ درصد دانشجویان دارای یک اتومبیل و ۲۶ درصد صاحب دو اتومبیل در خانواده هستند. ۲۵ درصد خانواده دانشجویان ماشین ساده پراید پیکان و تیبا دارند و ۲۳ درصد خانواده مالک ماشین پژو ۴۰۵، کوییک و پرشیا هستند. بیشترین نوع سفر در ۳۲ درصد دانشجویان است که به سفر با اقامت در هتل می‌روند.

یافته‌های توصیفی مقایسه‌ای

نتایج نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان با این نابرابری‌های جنسیتی قضایی و اجتماعی مخالفند و میزان پذیرش برابری در آنها زیاد است.

جدول ۱-۲ توزیع فراوانی نگرش دانشجویان تهرانی و شهرستانی در انواع نابرابری قضایی حقوقی زنان

نوع نابرابری	تهران			شهرستان‌ها		
	مخالف	متوسط	موافق	مخالف	متوسط	موافق
حق طلاق با مرد	۹۴	۴	۰.۸	۹۱	۶	۲.۳
تعیین مسکن با مرد	۷۷	۱۵	۸	۸۰	۱۰	۷.۱
سن ازدواج ۹ سال انتخاب همسر با پدر عدم حق مادر در ازدواج دختر	۹۵	۴	۰.۸	۹۷	۱.۶	۰.۹
	۸۴	۱۲	۵	۷۰	۱۶.۱	۱۲.۶
	۸۸	۸	۱	۸۰.۷	۶.۴	۱۲.۷
حضانت فقط با پدر اشتغال با اجازه شوهر خروج از کشور	۸۷	۹.۳	۳.۹	۹۰.۵	۶	۳.۴
	۷۱	۲۴	۵.۵	۷۱	۲۴	۵.۵
	۵۹	۳۶	۵	۵۹	۳۶	۵
ولایت بر فرزند گرفتن همسر دوم لزوم تمکین نابرابری در دیه نابرابری در ارث	۸۸	۷.۵	۳.۴	۸۲.۴	۱۳.۸	۳.۵
	۹۰	۶	۴	۹۲.۸	۶.۴	۰.۷
	۸۶	۶.۸	۷	۸۵.۸	۴.۸	۸.۷
	۸۳	۱۱	۶	۸۸	۹.۴	۲.۳
	۷۵	۱۵.۵	۹	۷۴	۲۰	۵.۵

مخالفت‌ها با نابرابری قضایی بین ۵۹ تا ۹۸ درصد است. در تهران و شهرستان‌های همسان هم بیشترین مخالفت با سن ازدواج ۹ سال و حق طلاق و گرفتن همسر دوم است. کمترین مخالفت‌ها با محدودیت خروج از کشور زنان و اجازه انتخاب همسر با پدر و اشتغال با اجازه شوهر و ارث است. بیشترین موافقت با اجازه انتخاب همسر با پدر، حق ارث، و دیه است. البته مقدار موافقت بسیار پایین است.

جدول ۱-۳ توزیع فراوانی نگرش دانشجویان در مورد انواع نابرابری اجتماعی برای زنان

شهرستان‌ها			تهران			نوع نابرابری
موافق	متوسط	مخالف	موافق	متوسط	مخالف	
۲۰,۷	۴۲	۳۷	۱۸	۳۹	۴۲,۶	محدودیت مشاغل زنان نابرابری رشته‌های کنکور
۶,۷	۱۸,۷	۷۴	۳,۷	۱۵,۷	۸۰,۱	
۷,۸	۱۲,۵	۷۹,۶	۹	۲۳,۴	۶۸,۳	وزارت و ریاست جمهوری برای زنان
۱۴,۷	۲۱,۶	۶۳,۷	۷	۱۲,۶	۷۰	انجام دوچرخه سواری
۸,۶	۱۵,۷	۷۳,۵	۲۳,۲	۸,۴	۶۸	استادیوم فوتبال رفتن

بیشترین مقدار مخالفت با نابرابری اجتماعی در تهران با نابرابری رشته‌های کنکور و محدودیت انجام دوچرخه‌سواری و در شهرستان‌ها به اخذ پست ریاست جمهوری زنان و محدودیت رفتن به استادیوم است.

بررسی فرضیات

فرضیه اول در اینجا مورد بررسی قرار گرفت در همه زمینه‌های قضایی بین دانشجویان زن و مرد تهرانی اختلاف نظر معنی‌داری وجود دارد. با گرفتن ضریب همبستگی پیرسون معلوم شد که در اجازه اشتغال برای زن توسط مرد و حق طلاق بیشترین اختلاف نظر و در تمکین زن از مرد کمترین اختلاف نظر وجود دارد.

جدول ۱-۴ مقایسه نظرات دانشجویان شهرستانی با تهرانی و زن و مرد در مولفه‌های نابرابری قضایی

نوع نابرابری قضایی	جنس	تحلیل واریانس زن و مرد در دانشجویان تهرانی	تحلیل واریانس زن و مرد در دانشجویان شهرستانی	شهر	تحلیل واریانس تهرانی/شهرستانی
حق طلاق با مرد	زن	F=۲۹,۱۱	F=۲۴,۶۵	تهرانی	F=۰,۱۳۹
	مرد	Sig=۰,۰۰۰	Sig=۰,۰۰۰	شهرستانی	sig=۰,۷۰۹
تعیین مسکن با مرد	زن	F=۲۲,۸۹	F=۹,۹۴	تهرانی	F=۱,۱۱۷
	مرد	Sig=۰,۰۰۰	Sig=۰,۰۰۰	شهرستانی	sig=۰,۳۴۹
سن ازدواج ۹ سال	زن	F=۳,۸۶	F=۱,۴۵	تهرانی	F=۰,۱۷
	مرد	Sig=۰,۰۶۰	Sig=۱۰,۱	شهرستانی	sig=۰,۶۷۴
انتخاب همسر با پدر	زن	F=۲,۷۲	F=۴,۲۳	تهرانی	F=۲۹,۴
	مرد	Sig=۰,۰۰۰	Sig=۰,۰۰۲	شهرستانی	sig=۰,۰۰۰
حق حضانت با پدر	زن	F=۹,۸۲	F=۱۱,۴۰	تهرانی	F=۰,۴۱
	مرد	Sig=۰,۰۰۰	Sig=۰,۰۰۰	شهرستانی	sig=۰,۵۲۲

نوع نابرابری قضایی	جنس	تحلیل واریانس زن و مرد در دانشجویان تهرانی	تحلیل واریانس زن و مرد در دانشجویان شهرستانی	شهر	تحلیل واریانس تهرانی/شهرستانی
حق اشتغال با اجازه شوهر	زن	F=۱۹,۱۹	F=۱۷,۲۷	تهرانی	F=۱۴,۹۳
	مرد	Sig=...	Sig=...	شهرستانی	sig=...
خروج از کشور با شوهر اجازه	زن	F=31.3	F=۱۸,۰۸	تهرانی	F=۱۳۸,۰
	مرد	Sig=...	Sig=...	شهرستانی	sig=...
ولایت بر فرزند	زن	F=۱۰,۵۹	F=۶,۱۷	تهرانی	F=۸,۴۸
	مرد	Sig=...	Sig=...	شهرستانی	sig=,۰۰۴
گرفتن همسر دوم	زن	F=۵,۲۵	F=۷,۳۵	تهرانی	F=۰,۶۴
	مرد	Sig=...	Sig=...	شهرستانی	sig=,۳۸۴
تمکین	زن	F=۶,۰۲	F=۱۰,۸۸	تهرانی	F=۰,۹۵
	مرد	Sig=...	Sig=...	شهرستانی	sig=,۳۳۹
دیه	زن	F=۷,۰۴	F=۷,۴۴	تهرانی	F=۰,۳۳۷
	مرد	Sig=...	Sig=...	شهرستانی	sig=,۵۶۲
ارث	زن	F=۶,۹۶	F=۸,۲۱	تهرانی	F=۱,۸۱
	مرد	Sig=...	Sig=...	شهرستانی	sig=,۱۷۸
کل نابرابری قضایی	زن	F=۳۰,۰۹	F=۲۱,۲۶	تهرانی	۳,۷۰F=
	مرد	Sig=...	Sig=...	شهرستانی	Sig=,۰۵۴

در میان دانشجویان زن و مرد شهرستانی در مخالفت با سن ازدواج ۹ سال برای دختران تفاوت نظر وجود ندارد و هر دو جنس یکسان مخالف هستند. و در سایر زمینه‌ها تفاوت نظر وجود دارد.

در مقایسه میان دانشجویان تهرانی و شهرستانی بیشترین یکسانی نظرات در سن ازدواج ۹ سال برای دختران، حق حضانت فرزندان با پدر، آزادی قانونی گرفتن زن دوم توسط مردان، اجبار زن به تمکین از مرد تحت هر شرایطی، تفاوت دیه بین زن و مرد، تفاوت ارث میان دختر و پسر است. همه این موارد مورد اعتراض یکسان دانشجویان تهرانی و شهرستانی است و در واقع این موارد در هر فرهنگ و خرده فرهنگ در ایران مورد نکوهش و عدم پذیرش است.

تنها تفاوت نظر میان دانشجویان تهرانی و شهرستانی در موارد اجازه انتخاب همسر با پدر دختر، حق اشتغال با شوهر، خروج از کشور با شوهر، ولایت پدر بر فرزند است که بین دانشجویان در تهران با شهرستان تفاوت معنی‌داری دیده می‌شود.

فرضیه دوم: در تحلیل مقایسه نابرابری‌های اجتماعی بین دانشجویان زن و مرد تهرانی نتایج نشان داد که اختلاف نظر معنی‌داری

وجود دارد.

جدول ۱-۵ مقایسه نظرات دانشجویان شهرستانی با تهرانی و زن و مرد در مولفه‌های نابرابری اجتماعی

تحلیل واریانس شهرستانی با تهرانی	شهر	دانشجویان شهرستانی مقایسه زن و مرد	دانشجویان تهرانی مقایسه زن و مرد		
F=۳۱,۳ Sig=۰۰۰	تهرانی شهرستانی	F=۶,۰۴۴ Sig=۰۰۰	F=۱۱,۵۸ Sig=۰۰۰	زن مرد	محدودیت مشاغل برای زنان
F=۴۸,۲۴ Sig=۰۰۰۰	تهرانی شهرستانی	F=۱,۷۵ Sig=۱۳۶.	F=۱۲,۶۱ Sig=۰۰۰۰	زن مرد	نابرابری رشته‌های کنکور در زنان مردان
F=۴۸,۳۷ Sig=۰۰۰	تهرانی شهرستانی	F=۷,۵۴ Sig=۰۰۰	F=۱۳,۶۸ Sig=۰۰۰	زن مرد	رفتن زنان به استادیوم فوتبال
F=۵۹,۵۳ Sig=۰۰۰	تهرانی شهرستانی	F=۱۰,۳۲ Sig=۰۰۰	F=۱۸,۲۷ Sig=۰۰۰	زن مرد	اخذ پست وزارت و ریاست جمهوری زنان
F=۱۶,۶۴ Sig=۰۰۰	تهرانی شهرستانی	F=۷,۲۱ Sig=۰۰۰	F=۴,۵۱ Sig=۰۰۱	زن مرد	انجام دوچرخه‌سواری
F=۱۳,۴۶ Sig=۰۰۰	تهرانی شهرستانی	F=۶,۱۴ Sig=۰۰۰	F=۶,۲۴ Sig=۰۰۰	زن مرد	نگرش به کل نابرابری اجتماعی

دانشجویان زن و مرد شهرستانی در نابرابری رشته‌های کنکور هم نظر هستند، اما در سایر نابرابری‌ها اختلاف نظر دارند. در میان دانشجویان تهرانی و شهرستانی هم اختلاف نظر در همه نابرابری‌های اجتماعی وجود دارد.

فرضیه سوم، رابطه متغیرهای مستقل بانگش به نابرابری جنسیتی بین دانشجویان توسط آزمون پیرسون تحلیل گردید.

جدول ۱-۶ آزمون همبستگی متغیرهای مستقل بانگش به نابرابری در دانشجویان تهرانی و شهرستانی

متغیرهای مستقل	گروه‌ها	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
۱- رشد هویت فردی	تهرانی	-۰,۱۲۴	Sig=۰۰۲
	شهرستانی	-۰,۱۴۷	Sig=۰۰۱
۲- جامعه‌پذیری جنسیتی	تهرانی	۰,۲۳۰	Sig=۰۰۰۰
	شهرستانی	۰,۰۷۱	Sig=۰,۰۹۷
۳- وضعیت اقتصادی	تهرانی	-۰,۱۷۵	Sig=۰۰۰
	شهرستانی	-۰,۰۳۹	Sig=۰,۳۶۳
۴- تحصیلات خانواده	تهرانی	-۰,۱۶۳	Sig=۰۰۰
	شهرستانی	-۰,۰۳۹	Sig=۰,۳۵۵
۵- استفاده از رسانه‌های آزاد	تهرانی	-۰,۱۱۹	Sig=۰۰۲
	شهرستانی	-۰,۱۹۸	Sig=۰۰۰
۶- مهاجرت	تهرانی	۰,۰۰۵	Sig=۰,۹۰۴
	شهرستانی	-۰,۰۳۱	Sig=۰,۴۶۲
۷- قومیت	تهرانی	-۰,۰۰۶	Sig=۰,۸۸۰
	شهرستانی	-۰,۰۶۰	Sig=۰,۱۵۹
۸- شهرستانی و تهرانی بودن		۰,۰۹۸	Sig=۰۰۱
۹- زن و مرد		۰,۳۱۶	Sig=۰۰۰

نتایج نشان می‌دهد که متغیر مستقل اول: **رشد هویت فردی** با نگرش به نابرابری جنسیتی رابطه معنی‌داری دارد و هر چه میزان فردگرایی بیشتر می‌شود، نگرش به نابرابری کمتر شده و در واقع برابری جنسیتی بیشتر می‌شود. ضریب پیرسون برای هر دو جامعه شهرستانی و تهرانی نزدیک هم است و حدود یک دهم همبستگی نشان داده می‌شود.

متغیر مستقل پنجم: استفاده از **رسانه‌های آزاد** رابطه معنی‌داری با نگرش به نابرابری جنسیتی دارند و هر چه میزان استفاده از رسانه‌های آزاد بیشتر باشد، میزان نگرش نابرابرانه کمتر می‌شود و برابری جنسیتی بیشتر می‌شود. در دانشجویان شهرستانی میزان همبستگی مقداری بیشتر و تقریباً دو برابر تهرانی‌ها است.

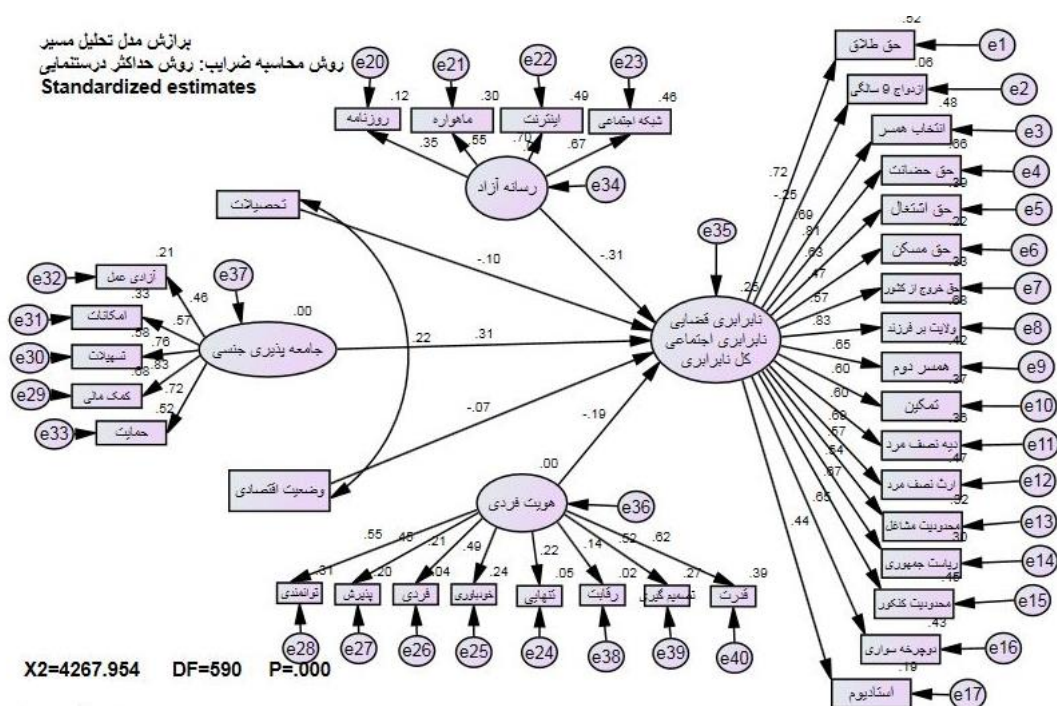
متغیر مستقل ششم و هفتم: مهاجرت و قومیت با نگرش به نابرابری جنسیتی رابطه معنی‌داری ندارند و هم در تهرانی‌ها و هم شهرستانی‌ها به نظر می‌رسد قومیت و مبدا مهاجرت و مدت زمان مهاجرت ربطی به نگرش به نابرابری جنسیتی ندارد.

متغیرهای مستقل دوم و سوم و چهارم: جامعه‌پذیری جنسیتی، تحصیلات خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده با نگرش به نابرابری جنسیتی رابطه نشان دادند.

این فرضیات در تهران مورد تایید هستند، اما در شهرستان‌ها رابطه آنها تایید نمی‌شود. در تهران جامعه‌پذیری جنسیتی در خانواده با ضریب همبستگی ۰,۲۳+ و میزان تحصیلات والدین با ضریب پیرسون ۰,۱۶۳- و وضعیت اقتصادی با مقدار ۰,۱۷۵- ضریب همبستگی با نگرش به نابرابری جنسیتی رابطه معنی‌داری را نشان می‌دهند. اما در شهرستان‌ها بین این متغیرها با نابرابری جنسیتی رابطه وجود ندارد و فرضیات تحقیق در مورد شهرستانی‌ها صادق نمی‌باشد.

متغیر مستقل هشتم و نهم: **تهرانی بودن و شهرستانی بودن، زن و مرد** با نگرش به نابرابری جنسیتی رابطه نشان دادند. بین دانشجویان شهرستانی و تهرانی با مقدار ضریب همبستگی ۰,۰۹۸+ با نابرابری جنسیتی رابطه نشان داده شده است. در واقع شهرستانی شدن دانشجویان مقدار یک دهم نگرش نابرابرانه را بیشتر می‌کند و تهرانی‌ها نگرش برابرگرایانه‌تری را نسبت به شهرستانی‌ها دارند. در مورد زن و مرد هم میزان همبستگی بسیار بالایی ۰,۳۱۶+ با نابرابری جنسیتی وجود دارد. زنان نگرش برابرگرایانه‌تری دارند و تغییر جنسیت از زن به مرد سبب می‌شود که میزان سه دهم نابرابری جنسیتی در مردان بیشتر گردد. به واقع زنان سه برابر بیشتر از مردان به برابری جنسیتی گرایش نشان داده‌اند.

معادلات ساختاری مدل تحقیق



در تحلیل مسیر، مهاجرت و قومیت رابطه معنی‌داری با نابرابری نداشته و لذا از مدل حذف شدند. استفاده بیشتر از رسانه‌ها، تحصیلات بیشتر و هویت فردی بیشتر با نابرابری رابطه معکوس دارند و افزایش آنها سبب کاهش میزان نابرابری می‌شود. جامعه‌پذیری جنسیتی بیشتر سبب افزایش نابرابری می‌گردد. اقتصاد بهتر با تحصیلات بالاتر رابطه دارند. از بین عوامل رسانه‌ها بیشتر از همه با نگرش به نابرابری رابطه نشان داده است. سپس جامعه‌پذیری جنسیتی در کودکی و پس از آن رشد هویت فردی بیشترین اثر را بر نگرش به نابرابری داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

فراوانی تعداد خانوار در پاسخگویان ۴ نفر است که با یافته‌های مرکز آمار ایران سال ۹۵ انطباق دارد. در دانشجویان تهرانی و شهرستانی بیشترین مخالفت‌ها با انحصاری بودن حق طلاق با مرد، پایین بودن سن ازدواج ۹ سال، بی توجهی قانون به گرفتن همسر دوم برای مردان، است. این یکسانی مخالفت بین تهران و شهرستان بیانگر فشار سنگین و یکسان این قوانین تبعیض‌آمیز بر کل جامعه ایران است. نتایج با نظرات سراج زاده (۱۳۸۵)، گرانفل (۱۳۸۹)، حبیب پورگنابی (۱۳۹۰)، بیرانوند (۱۴۰۱) در حوزه افزایش تحصیلات و رشد نگرش افراد و میل به برابری‌خواهی و تحول دیدگاه‌ها انطباق دارد. در زمینه نابرابری‌های اجتماعی کل دانشجویان کشور بر نابرابری در رشته‌های کنکور و عدم امکان اخذ پست وزارت و ریاست جمهوری برای زنان بیشترین اعتراض را دارند. که خود نمایانگر احساس و درک جامعه از محرومیت‌های موجود برای زنان است و نابرابری به عنوان یک واقعیت بیرونی فضای اجتماعی را

متأثر کرده است و بر افکار عمومی فشار وارد می‌کند. همانطور که مسعودی (۱۳۸۲)، علی حسینی (۱۳۹۵) و کولیوند (۱۳۹۷) اشاره دارند که پست ریاست جمهوری و رشته‌های کنکور برای زنان نمی‌تواند محدود شود و حتی قوانین در محدودیت زنان صراحت ندارند و برداشت پدر سالارانه مانع اصلی است. فشار نسل جوان و نگرش دانشجویی در برابری زن و مرد در یک زمینه بسیار برجسته و موکد است، به طوری که نه مردان و زنان و نه شهرستانی‌ها و تهرانی‌ها هیچ یک آن را نمی‌پذیرند (طبق جدول ۱-۱۱) و آن هم قانون سن ۹ سال برای ازدواج دختران است که در واقع همه یک صدا با آن مخالف هستند. تغییر سن ازدواج در عرف جامعه تا سنین ۲۰ الی ۳۰ سالگی نشانگر عدم پذیرش عملی این سن برای ازدواج است. همانطور که کاظمی پور (۱۳۸۳)، ضرابی (۱۳۹۰)، فتحی (۱۳۹۶)، انتظاری (۱۳۹۷) تأکید بر افزایش سن ازدواج در جامعه طی چهار دهه اخیر متأثر از تحولات گسترده اجتماعی دارند. در ۵ عرصه نابرابری دیگر: حق حضانت با پدر، آزادی عمل در گرفتن زن دوم، تمکین اجباری در زندگی، دیه و ارث هم کل کشور متفق‌القول آنها را نمی‌پذیرند و تفاوتی میان تهرانی و شهرستانی و زن و مرد نیست. در مورد حق حضانت پدر و سن ۹ سال برای ازدواج و چون این دو نابرابری قانونی با امور مرتبط با کودکان سر و کار دارند، احساسات اجتماعی نسبت به کودکان حساس و برابری‌خواهانه است. لذا همه نقاط جامعه یکسان با این قوانین مخالفت می‌کنند. این دستاورد با نظر مظاهری (۱۳۹۵) و پوراسدی (۱۳۹۱) که مادر محق به حضانت برای کودک است. همسو می‌باشد. دیه و ارث دو نابرابری مالی اقتصادی واضح است که با توجه به ورود زنان به عرصه اقتصادی و نقش برجسته آنان در اقتصاد جامعه به نظر می‌رسد حتی در شهرستان‌ها افراد به اهمیت داشتن هویت مالی مستقل زنان مساوی با مرد قائل هستند و سطح سیاست‌گذار باید این تحول نگرش را جدی بگیرد. این نتایج با تحلیل قورچی بیگی (۱۳۹۷)، سلیمانی (۱۴۰۰)، عباسی (۱۴۰۰) نیز بر نقد نابرابری دیه و ارث و لزوم تحول بر این قوانین هماهنگ است. پدیده تمکین و گرفتن زن دوم به روابط خصوصی زناشویی و تعاملات خانوادگی بر می‌گردد و جالب است که حتی در این عرصه هم تهرانی‌ها و شهرستانی‌ها یکسان مخالفت دارند و نشانه از تحول نگرش به روابط متقابل میان زن و مرد در خانواده است، که به نظر می‌رسد جامعه به اساس اصول روان‌شناختی برابری‌گرایانه و تعاملات بالغانه و نه سنتی و مدهبی گرایش نشان می‌دهند و این از منظر جامعه‌شناسی منشاء تحولات گسترده نگرشی در روابط بنیادین خانوادگی است. این موارد با چارچوب نظری تحقیق طبق تغییرات ارزشی که اینگلهارت تأکید دارد و تأثیر مدرنیته‌گیدنز و تأکید تریاندیس بر عقلانیت در روابط هماهنگ است (نوریس و اینگلهارت، ۱۳۹۵)، (کیدنز ۱۳۷۷)، (تریاندیس، ۱۹۸۸). به واقع در پی تحولات صنعتی دنیای جدید ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تغییر کرده است. این تغییرات، تحول نقش‌های جنسیتی در خانه و جامعه را ایجاد و در مواردی آن را به یک ضرورت کارکردی تبدیل کرده است (سراج زاده، ۱۳۸۵: ۱۱).

طبق جدول معادلات ساختاری در هر دو جامعه تهرانی و شهرستانی کل متغیرهای رشد هویت فردی، جامعه‌پذیری جنسی در کودکی، وضعیت اقتصادی، تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها، به میزان ۰٫۲۵ درصد نگرش افراد به نابرابری جنسیتی را تعیین می‌کنند. در آزمون همبستگی این نتایج در دانشجویان تهرانی کاملاً تأیید شد و از بین این پنج متغیر رسانه‌های آزاد بالاترین اثر و وضعیت اقتصادی کمترین نقش را در تغییر نگرش به نابرابری جنسیتی دارند. همانطور که در چارچوب نظری مطرح شد با گسترش جمعیت و رشد تحصیلات و فراوانی اطلاعات و رسانه‌ها در ساختار فکری و نگرش افراد دگرگونی و تغییر بروز می‌کنند و بر اساس دیدگاه اینگلهارت تحولات ارزشی با گرایش به ارزش‌های ابراز وجود مبتنی بر توسعه انسانی رخ می‌دهد و از سویی نظام آموزشی خود موتور تغییر است (اسچافر، ۲۰۰۳) و در این تحقیق هم نقش تحصیلات و گسترش رسانه‌ها تأیید شده است. بندورا و مکتب کنش متقابل نمادی بر جامعه‌پذیری به عنوان فرآیندی تعیین‌کننده بر تعامل افراد و شکل‌گیری رفتار تأکید دارند (الکینو هندل، ۱۹۷۲). خانواده به مثابه یک الگو در رفتار و نگرش افراد نقش ایفا می‌کند (یزدان‌پناه، ۱۳۹۲). در این پژوهش، تأثیر جامعه‌پذیری جنسیتی بر

نگرش افراد به نابرابری خود را نشان داد. گیدنز (۱۳۷۷) و برگر (۱۳۷۵) و تریاندیس (۱۹۸۸) بر رشد فردگرایی در جوامع و شکل‌گیری هویت فردی در مناسبات اجتماعی تاکید کرده و حرکت افراد در جامعه به سوی استقلال عمل و انتخاب و حق آزادانه برنامه‌ریزی شخصی و بروز عقلانیت در روابط را طرح کردند. در پژوهش با رشد فردگرایی و افزایش توجه به هویت فردی نگرش برابرگرایانه بیشتر شده و مخالفت بیشتری با نابرابری انجام می‌گیرد. که این نتایج موید نظرات گیدنز و تریاندیس و برگر است. کالینز (شکر بیگی، ۱۳۹۶) بر کنترل منابع اقتصادی و مازاد و نقش آن بر تبیین مناسبات زن و مرد تاکید می‌کنند. در پژوهش با افزایش منابع اقتصادی خانواده و فراوانی امکانات میزان گرایش به نابرابری، کنترل زن و تحدید زن کاهش می‌یابد و در شرایط تنگنا و منابع محدود و اقتصاد پایین، مرد نگرش نابرابرانه و محدودگر به زن را دارد.

در شهرستان‌ها طبق آزمون همبستگی نگرش به نابرابری با هویت فردی و استفاده از رسانه‌ها بیشتر رابطه نشان می‌دهد و با تحصیلات والدین و وضعیت اقتصادی و جامعه‌پذیری جنسیتی رابطه ندارد. این نکته بسیار جالبی است فرایند تغییر نگرش در شهرستان‌ها بسیار مستقل از تحصیل و درآمد والدین و یادگیری کودکی است و به نظر می‌رسد که تاثیر تحولات تکنولوژی و گسترش رسانه‌ها و دهکده جهانی شدن بر شهرستان‌ها بیشتر از تهران تأثیر می‌گذارد و در واقع فرایند گذار در شهرستان‌ها با سرعت بیشتری بروز می‌کند. این نتایج با تحقیق کرامپیچ و اسمیت (۲۰۲۱) منطبق است که مناطق شهرستانی و روستایی رشد اقتصادی سریع‌تری را با استفاده از امکانات آموزشی تجربه می‌کنند و اینجا نیز در تحول نگرش پیشی گرفته‌اند.

به این ترتیب جامعه کنونی دانشجویان ایرانی نگرش برابرگرایانه نسبت به زن داشته و با کل نابرابری‌های حقوقی و قضایی هم صدا مخالفند و سطح مخالفت تا ۹۵ درصد می‌رسد و حداقل مخالفت‌ها بالای ۵۹ درصد است. و عوامل مؤثر بر تغییر نگرش به شدت در حال رشد هستند. و لذا نیاز به دگرگونی در ساختار قضایی و حقوقی به شدت مورد تقاضا و خواست جامعه است و باید سیاست‌گذاران به آن پاسخ دهند و هم اکنون تغییرات حقوقی و قضایی و اجتماعی در حوزه زنان به شدت توسط جامعه درخواست می‌شود.

منابع

- افشار، فروزان (۱۳۹۸). شکاف‌های اجتماعی در ایران (زیرنظر محمد روزخوش). تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- احمدی، وکیل (۱۳۹۲). تغییر نگرش نسبت به نابرابری جنسیتی در طی فرآیند گذار جمعیتی. جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره پیاپی ۵۱، شماره سوم، پاییز ص ۱۵-۳۴.
- ایوت، پاملا، والاس، کلر (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی. ترجمه: مریم خراسانی و حمید احمدی. تهران: انتشارات دنیای مادر.
- بختیاری، حمید و همکاران (۱۴۰۲). بررسی رابطه نابرابری جنسیتی و توسعه فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان زن دانشگاه آزاد اسلامی تهران). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۵۷، دی ماه ۴۱۷-۴۴۸.
- برگر، پیترا (۱۳۷۳). برخلاف جریان. ترجمه: سیدحسین سراج زاده. مجله کیان، شماره ۴۴، ص ۳۰-۳.
- برگر، پیترا و توماس لوکمان (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت. رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ترجمه: فریبرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیرانوند، سارا و همکاران (۱۴۰۱). تفاوت‌های روستا-شهری ازدواج و ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۱۷، شماره ۳۳، ص ۵۱-۷۶.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۸۰). نظریه کنش. ترجمه: مرتضی مردی‌ها. تهران: نقش و نگار.
- بودون، ریمون (۱۳۸۳). منطلق اجتماعی کنش. ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر توتیا.

- نافلر، آلوین (۱۳۷۲). موج سوم. ترجمه: شهین دخت خوارزمی. چاپ هشتم، قم: چاپخانه مهر.
- جواهری، فاطمه (۱۴۰۰). تحصیلات و تغییر نگرش‌های اجتماعی - فرهنگی در آیینۀ پیمایش‌های ملی. فصلنامه علمی پژوهش مسائل اجتماعی ایران، شماره یکم، پاییز، صص ۱۸۱-۲۱۱.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- حاضری، محمدعلی و محمدی، نعیم (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی تنوع جنبش زنان در کشورهای اسلامی منطقه. مطالعات اجتماعی در ایران، دوره ۶ شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱. صفحات: ۵۳-۳۰.
- حبیب پورکتابی، کرم و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۱، بهار، صص ۳۴-۷.
- خانی، سعید و همکاران (۱۳۹۷). مقایسه میان‌نسلی ایده‌آل‌های ازدواج و فرزندآوری، با تأکید بر نقش ویژگی‌های زمینه‌ای در شهرستان سنج. دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۲، صص ۴۹-۷۶.
- خانی، فضیله (۱۳۸۹). چارچوب تحلیلی در مطالعات نابرابری‌های جنسیتی در جهان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۳ پاییز صص ۷-۳۰.
- خاوری، کبراوهمکاران (۱۳۹۲). رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسیتی با سلامت روان. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۴۸ صص ۱۱۱-۱۲۸.
- رزمی، سید محمد جواد و کاوسی، شراره (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی در استانهای ایران. مجله اقتصاد و توسعه منطقه ای، سال بیست و یکم، دوره جدید شماره ۸، نیمه دوم، صص ۱۰۰-۱۲۰.
- سراج زاده، سید حسین و جواهری، فاطمه (۱۳۸۵). برابری گرای جنسیتی در میان دانشجویان و متغیرهای زمینه ای و نگرشی مرتبط با آن. مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۷، شماره ۲، صص ۳-۴۰.
- سبحانی جو، حیات علی (۱۳۸۴). خانواده، تحولات جهانی و مسئولیت ذری اجتماعی. مجله پیوند، شماره ۳۱۵ صص ۲۲-۳۵.
- شاکری نیا، ایرج (۱۳۷۶). بررسی نقش چند عامل در فرآیند رشد اجتماعی کودکان (جامعه پذیری). تربیت، شماره ۱۱۸: ۵۹-۶۳.
- شکریگی، عالیه (۱۳۸۸). مطالعه جامعه‌شناختی فردیت سازی شدن و کاهش سرمایه اجتماعی خانواده ایرانی در رویارویی سنت و مدرنیته. سایت جامعه‌شناسی ایران.
- عباس زاده، محمودهمکاران (۱۳۹۴). مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق (مورد مطالعه زنان متأهل شهر زنجان). پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماع، سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان صص ۲۵-۴۴.
- عباسی، عاطفه (۱۳۹۹). نقد و بررسی نابرابری دیه زن و مرد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۸۵-۱۰۷.
- قاسمی، زهرا (۱۴۰۰). بررسی نابرابری جنسیتی بین دختر و پسر در خانواده و تبیین عوامل مؤثر بر آن. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۹ شماره ۱ بهار صص ۹۵-۱۱۷.
- قاسمی، زهرا (۱۳۹۸). بررسی سطح تبعیض بین دختران و پسران در خانواده. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال سیزدهم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان صص ۱۱۳-۱۳۸.
- قامت، جعفر و همکاران (۱۳۹۱). الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فرصت‌ها و تهدیدها. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات و روابط بین الملل، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۱۷۹ تا ۲۱۳.
- کلانتری، عبدالحسین و فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲). فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده درباره نابرابری جنسیتی. زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱، بهار صص ۱۲۵-۱۴۲.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، قدرت هویت. ترجمه: حسن چاووشیان. تهران: طرح نو.

- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی پیربوردیو. ترجمه: محمدمهدی لیبی. تهران: افکار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه: ناصر موفقیان. چاپ اول تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۸). بررسی جامعه شناختی نابرابری جنسیتی زن و مرد و نقش آن در بروز خشونت خانوادگی. مجله جامعه شناسی معاصر، سال اول/شماره سوم/ تابستان. ص ۶-۲۷.
- مفتخری، علی و همکاران (۱۴۰۰). بررسی اثرات نابرابری جنسیتی بر فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، مهر ۱۴۰۰.
- موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی پژوهش های آماری و فناوری اطلاعات. امار در آموزش عالی، آمار آموزش عالی در یک نگاه مهدی زاده (۱۳۸۹). نظریه های رسانه، اندیشه های رایج و دیدگاه های انتقادی. تهران: انتشارات همشهری،
- نیازی، محسن و همکاران (۱۴۰۲). طراحی الگو و ابعاد نابرابری جنسیتی با رویکرد فراترکیب. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، دره ۲۰، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۶، دیماه، ۱۰۵-۱۳۷.
- نورس پپیا و رونالد اینگلهارت (۱۳۹۵). جهانی شدن و تنوع فرهنگی. ترجمه: عبدالله فاضلی و ساجده علامه. تهران: کویر.
- وایزمن، الیس (۱۳۷۱). رشد اجتماعی برای جوانان و خانواده ها. مترجم: سیما نظیری. تهران: انتشارات اولیا و مریمان.
- همتی، رضا و مکتوبیان، مریم (۱۳۹۲). بررسی وضعیت نابرابری جنسیتی در میان کشورهای منتخب خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران. پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۱۱۵-۱۴۲.
- یزدان پناه، لیلا و حکمت، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان مطالعه دانشجویان دانشگاه شهیدباهنر کرمان. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هشتم، شماره ۲، تابستان صص ۱۲۷-۱۵۰.

All port, G. W (1954). THE Nature of prejudice. Cambridge.

Bandura, A (2002). Social Foundations of Thought and Action: a Social Cognitive Theory. A Generic perspective. Annual Review of psychology.

Break well, Glynis. M (1990). Social Belief about Gender Differences. in Colin Fraser and Gorge Gaskell. The social Psychological Study of Widespread Beliefs, Oxford Clarendon Press.

Cronbach, Lamar & Smits, Jaron (2021). The Demographic Window of Opportunity and Economic Growth at Sub-National Level in 91 Developing Countries. Social Indicators Research, Published online: 12 October.

<https://doi.org/10.1007/s11205-021-02802-8>

Elkin, F. & G. Handel (1972). The Child and Society: The process of Socialization. New York: Random House.

Honneth, Axel (2001). Recognition or Redistribution? Changing Respective on the Moral Order Society. Theory, Culture and Society Journal, 8(2-3).

Marphy, Mark (2011). On Recognition and Respect: Honneth Inter Subjectivity and Education. Educational Futures Journal, 2(2).

M. Kremer (1993). Population Growth and Technological Change: One Million B.C. to 1990. Quarterly Journal Econ, 108 (3).

Mooney, Linda .A & David Knox and Carolina Schacht (2002). Understanding Social Problem. USA: Wadsworth Group.

Schaeffer, Richard. T (2003). Sociology. USA: McMillan.

Smorda, Z (1995). Power, genders treaty P. e. s, and perception of heterosexual couples. British journal of social psychology 435-34.

Stanly, Liz and Sue Wise (2002). What's Wrong with Socialization? in Steve Jackson and Sue Scott. Gener, A Sociological Reader. London: Routledge.

Triandis, Harry. C & Bantempo, Robert & Villareal, Marcelo. J (1988). Individualism and Collectivism: Cross-Cultural Perspective on Self-in-Group Relation. Journal of Personality and Social Psychology, 45. No2.